



انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه شهید بهشتی
(توسعه دین و حکومت)

ویژه نامه انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰

دکتر نو

شماره چهل و یکم • اردیبهشت ۱۴۰۰

نشریه سیاسی دانشجویی دیدنو



حسین جهانگیری
رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل
شرکت توسعه و عمران شهید بهشتی
عضو هیئت مدیره و مدیر عامل
شرکت توسعه و عمران شهید بهشتی



علی لاریجانی
مجلس‌های نهم و دهم
معاونت‌ها به مدت ۱۰ سال
وزیر دولت پنجم



سید ابراهیم رئیسی
ریاست قوه قضائیه (۶ اسفند ۱۳۹۷ تاکنون)
تولیت سابق آستان قدس رضوی (۱۷ اسفند ۱۳۹۴ تا ۱۶ اسفند ۱۳۹۷)



سید جلیلی
رئیس شورای عالی امنیت ملی (از ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲)
رئیس هیئت مذاکره کننده هسته‌ای



حسین دهقان
وزیر دفاع و پشتیبان نیروهای مسلح در دولت بارزهم
معاون رئیس‌جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران در دولت هشتم



علی مطهری
نماینده انجمن مجلس



محمد باقر قالیباف
شهردار تهران (از ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۶)
ششمین رئیس مجلس شورای اسلامی



سید محمد
فرمانده ارشد فرارگاه سازمانی، خانم الانبیا سپاه (۱۵ مهرماه ۱۳۹۷)
مدیرعامل گروه سپاه، وابسته به فرارگاه خانم (سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳)



عزت الله زرفانی
رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل
شرکت توسعه و عمران شهید بهشتی (۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶)

برای مشاهده تصویر و اطلاعات نامزد مورد نظر، سمت دیگر برگه را مطالعه فرمایید.



رستم قاسمی
وزیر نفت دولت یازدهم



وحدت برای یک هدف باهم برای ایران نان و رأی چالش نگهبانان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صاحب امتیاز:

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی (ره)

(عضو دفتر تحکیم وحدت)

مدیر مسئول:

زینب سادات قریشی محمدی

سر دبیر:

فاطمه سادات مرتضوی

هیأت تحریریه:

فاطمه سادات فیروزآبادی - فاطمه سادات مرتضوی - محدثه جان نثاری - سارا

حکیمزاده - فائزه سادات صالحی - وحید عبدالله زاده - محمد هوشنگ

ویراستاری و بازبینی نهایی:

فاطمه سادات مرتضوی

طراح جلد و قالب:

مهدی حسین زاده

صفحه آرا:

فرناز اینانلو

*قیمت نسخه چاپی: ۱۶۰۰۰ هزار تومان

دکترانو



انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه شهید بهشتی
(عضو دفتر تحکیم وحدت)

نشریه سیاسی دانشجویی دیدنو

آنچه در این شماره خواهید خواند:

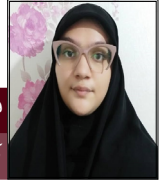
- ۳..... فاطمه سادات مرتضوی **وحدت برای یک هدف**
- ۴..... فاطمه سادات فیروزآبادی **بهانه‌ی ما شدن**
- ۵..... محدثه جان نثاری **با هم برای ایران**
- ۷..... سارا حکیم زاده **جامعه‌پذیری سیاسی**
- ۸..... وحید عبدالله زاده **نان و رأی**
- ۱۰..... فائزه سادات صالحی **تصمیم کبری**
- ۱۱..... محمد هوشنگ **چالش نگهبانان**
- ۱۳..... فاطمه سادات مرتضوی **خاورمیانه درگیر انتخاب**



وحدت برای یک هدف

فاطمه سادات مرتضوی

کارشناسی آمار



وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور/۵۵)؛

این وعده‌ی حکومت جهانی که از طرف خداوند صادر شده‌است، بهترین دلیل بر حضور پررنگ دین در عرصه‌های مختلف حکومتی و سیاسی است.

سیاست یکی از مهم‌ترین ارکان یک جامعه است که اگر بر پایه‌های درستی بنا شده‌باشد، موجب تعاملات درست و منطقی در معادلات سیاسی - اجتماعی جامعه می‌شود.

انتخابات نشان‌دهنده «عظمت، اقتدار و بصیرت ملی» است. در کشور مشکلات و رفتاری‌هایی وجود دارد که برخی ناشی از تحریم‌ها و علت برخی هم کم‌کاری‌ها است؛ اما با وجود این مشکلات، مردم به دلیل آن‌که در انتخابات موضوع آبروی نظام و امنیت کشور در میان است، به میدان خواهند آمد.

در آستانه‌ی سیزدهمین دوره‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران، این اتفاق متفاوت‌ترین دوره‌ی خود را تجربه می‌کند؛ نه تنها از منظر اجتماعی حتی از دید سیاسی نیز این مسأله مورد توجه است.

دید اجتماعی بدین منظور مورد توجه است که انتخابات در هر کشوری به شدت وابسته به حضور و مشارکت حداکثری مردم می‌باشد البته که در شرایط پاندمی کرونا شاید این مورد دور از ذهن به نظر برسد به علاوه، اینکه شرایط اقتصادی این روزها نیز قطعاً بر ذهنیت مردم مبنی بر ایدئولوژی "حماسه‌ی حضور" تاثیر گذاشته‌است.

دید سیاسی نیز به این دلیل که، این روزها درحالی که زمان کمی تا همه‌پرسی سیزدهم باقی مانده‌است؛ نامزدهای اصلی، ائتلاف‌ها، اعلام وحدت‌ها، اعلام برنامه‌های اصلی برای حل مشکلات کشور، هیچ یک به صورت رسمی اعلام عمومی نشده‌اند؛ پوشش خبری مستقیمی در دسترس عموم قرار ندارد، حتی منبع خبری دقیق و رسمی برای انتخابات سیزدهم وجود ندارد، عده‌ی زیادی از رجال سیاسی اکثر فعالیت‌های مهم خود را از طریق شبکه‌های اجتماعی پیش می‌برند با این بهانه که در تلویزیون ایران محدودیت‌هایی برای ابراز وجود و اعلام برنامه برای حل مشکلات وجود دارد، گرچه آن چیزی که ما در شبکه‌های اجتماعی از اکثر این افراد دیدیم و شنیدیم پر از پارادوکس‌های عجیب با این بهانه‌ها بود.

مورد دیگری که بر حضور مردم تاثیر به‌سزایی دارد، شرایط اقتصادی رها شده در کشور است که متأسفانه هیچ یک از رجال سیاسی مسئولیت آن را به هیچ‌وجه برعهده نمی‌گیرند و چاره‌ی مردم را تنها در قناعت و

تغییر ذائقه مردم می‌بینند!!
به هر حال همه‌ی این عوامل مهم بر حماسه‌ی حضور مردم تاثیرگذار است.

اما باید این مورد را هم در نظر بگیریم که شرکت در انتخابات یک وظیفه است، گزینش خوب و آگاهانه هم یک وظیفه است. این گزینش هم قطعاً باید از پایه و اساس درستی برخوردار باشد که قدم اول و مهم در این زمینه را شورای نگهبان برمی‌دارد لذا باید بصورت حساس، منطقی، عقلانی باشد؛ اما خب این سال‌ها در این زمینه کم‌کاری‌های زیادی صورت گرفته‌است و ملت ایران سال‌های اخیر انتظار دارند تا تغییر خاصی در ساختار شورای نگهبان حاصل شود و نتیجه‌ی بخصوص خود را در جامعه به نمایش بگذارد.

انتخابات برای کشور و ملت، فرصتی بسیار بزرگ و برای دشمنان تهدید است. برگزاری پرشور انتخابات و حضور همگانی مردم در پای صندوق‌های رأی، تضمین‌کننده امنیت کشور خواهد بود، زیرا دشمنان از پشتوانه مردمی نظام بیش از امکانات تسلیحاتی آن هراس دارند.

تیم دیدنو؛ در این شماره قصد دارد به صورت اجمالی درباره‌ی انتخابات، عوامل موثر بر مشارکت، تاثیر دین و سیاست بر جامعه و... با مخاطبان عزیز صحبت کند، با این امید که راهی باز در انتظار ملت عزیز ایران باشد.

در پایان تیم دیدنو از همه‌ی ملت شریف و باعزت ایران دعوت می‌کند تا بار دیگر برای تحقق آرمان‌های وطن، متحد و یکپارچه به پای صندوق‌های رأی بیایند و باتوکل بر خدا و تصمیمی عقلانی حماسه‌ی حضور را رقم بزنند؛ باشد که این بار امیدوارتر از گذشته راه پیشرفت برای ایران عزیزمان هموارتر باشد و ایران عزیزمان با سرعت بیشتری به مقصد خود برسد.

انتخابات انتخابات مایه اتحاد ملت

انتخابات می‌تواند مایه‌ی اتحاد باشد؛ می‌تواند تشجیع‌کننده‌ی به سرعت عمل و پیشرفت باشد؛ با رقابت مثبت. هر گروهی سعی کنند برای خدمتگزاری به این ملت سهم متناسب با خودشان را که لایق خودشان می‌دانند، به دست بیاورند؛ هیچ اشکالی ندارد. این رقابت مثبت به جامعه نشاط می‌بخشد، ما را زنده‌دل می‌کند روح جوانی را بر جامعه‌ی ما حاکم می‌کند.



فاطمه سادات فیروزآبادی

کارشناسی فیزیک - ادوار انجمن اسلامی

بهانه‌ی ما شدن

تزامی پیش‌آمد، حفظ کدام برای شما ارجحیت دارد. پس شما می‌توانید مسلمانی باشید که متولد و شهروند کشور آمریکا است. به این حالت فکر کنید!

همواره در خصوص صفت زیبای اخلاقی‌ای شنیدیم که در نگاه دینی بسیار پررنگ است، غیرت! بعضی از علمای اخلاق، غیرت را حمایت و محافظت از چیزی می‌دانند که حمایت و محافظت از آن لازم است!، واضح است که صفت‌های اخلاقی، با گذشت زمان ملکه‌ی انسان می‌شود. به‌طور مثال انسانی که نسبت به داشته‌هایش که به او کمک کرده‌اند تا رشد کند، دین‌دار باشد و... وفادار نیست، احتمالا مفهومی چون وفا و غیرت را به خوبی نفهمیده‌است. کشور، ملتی که ما عضوی از آن هستیم و... قطعا زمین حاصل خیزی است که به ما کمک کرده تا رشد کنیم. از آن‌جا که صفت‌های اخلاقی برای اسلام بسیار مهم و کلیدی است، قطعا وفا به هرچیز خوبی که برای ما زحمت کشیده و بستر رشد ما بوده بسیار ارزشمند است. پس غیرت بر وطن و هرچیز خوبی که ما به آن تعلق داریم، احتمالا یک امر بسیار پسندیده در اسلام است.

غیرت و به تبع آن محافظت از چیزی را، نباید لزوما در مقابل تهدیدات خارجی در نظر گرفت. بسیاری از اوقات محافظت به معنای کمک به اصلاح درونی برای مستحکم‌تر شدن است. "مسلمانی که آمریکایی است" چون مردمی که در کنار آن‌ها نفس کشیده، از منابع روحی، مادی و انسانی آن‌ها استفاده کرده را می‌شناسد و دوست دارد، احتمالا تلاش می‌کند آنها را با جهان‌بینی اسلامی آشنا کند. و این به معنای غیور بودن آن فرد است.

در خصوص اولویت‌بندی نسبت به هویت‌های دینی و ملی و... صحبت به‌میان آمد. هویت دینی، شکل‌دهنده‌ی جهان‌بینی انسان و به عبارتی نیروی محرکه‌ی حرکت‌های اجتماعی، فردی، بین‌المللی و... است. به عبارتی این هویت می‌تواند سنگ بنای تمام ارتباطات انسان را بنا کند. در مقایسه با آن هویت ملی در خصوص گستره‌ی محدودتری از روابط انسانی می‌تواند اظهار نظر کند، و همین مهم هویت دینی را در اولویت بالاتری قرار می‌دهد. و همین دین است که از ما می‌خواهد از کشور و ملتی که به ما کمک کرده‌است تا انسان‌های خوب و مسلمانی باشیم حمایت و محافظت کنیم.

هویت ملی عموما برگرفته از اشتراکاتی است که مرزبندی‌ای بین "ما" و "دیگران" ایجاد می‌کند. بهتر بگویم یکی از مهم‌ترین چسب‌های پیوند احساسات و مولفه‌ی ایجاد یک آگاهی جمعی "ما" نسبت به هم است. یک سوال اصلی این است، باتوجه به اینکه اسلام می‌تواند محکم‌ترین چسب برای ایجاد یک احساس جمعی با کثیری از افراد دنیا باشد، آیا مراجعه به مولفه‌هایی چون جغرافیا، زبان، حافظه‌ی تاریخی، تیم فوتبال و... برای ایجاد یک هویت مشترک کار درستی است؟ مثلا این‌که ما همگی ایرانی هستیم، هویت مشترکی در مرزهای این کشور داریم و خودمان را به بهانه‌ی جغرافیای مشترک باهم پیوند می‌زنیم، چه نسبتی با این دارد که ما مسلمانیم و دین مشترکی با بسیاری از مردم دنیا داریم؟ کدام از منظر دینی ارجح است و آیا اساسا مرزهای جغرافیایی در نگاه دینی، مولفه‌ی مقبولی برای ایجاد هویت جمعی محسوب می‌شود؟

قاعدتا پرداخت تخصصی به این‌سوالات نیازمند تجمیع نظرات حوزه‌ی علمی، جامعه‌شناس‌ها، تاریخ‌دان‌ها و... بسیاری از علوم است و در این متن صرفا سعی می‌کنیم گذری برای سوال داشته‌باشیم.

عموما جمع‌های انسانی به بهانه‌ی انجام یک کار و یا هدف مشترک شکل می‌گیرند. این شاید برای شروع شکل‌گیری جمع کافی است، اما مرور زمان در کشمکش کار و پروژه‌های مشترک برای این افراد مولفه‌های مشترک بیشتری ایجاد می‌کند. موفقیت‌ها و شکست‌های گروهی برای آنان خاطره‌ی مشترک می‌سازد، ردوبدل نظرات و گفت‌وگوها احتمالا منجر به ادبیات و یازبان مشترکی بین آن افراد می‌شود و... اگرچه که این جمع ابتدا به بهانه‌ی انجام یک پروژه کنار هم قرار گرفته‌بودند. اما حالا دلایل محکم‌تری می‌توانند داشته‌باشند؛ برای اینکه خودشان را عضو این گروه بدانند. در مثالی بزرگتر احتمالا با کشورهایی مواجه می‌شویم که شاید تاریخ کنارهم قرار گرفتن مردم آن را صرفا ناشی از شرایط اقلیمی مناسب برای زندگی در آن جغرافیا بدانند. اما رفته‌رفته اشتراکاتی پررنگ‌تر برای آن‌ها شکل گرفته‌است که پررنگ‌ترین مولفه‌ی هویت‌جمعی آن‌ها بوده‌است. واضح است که افراد این مولفه‌ها را دوست داشته و یا حتی روی آن تعصب هم دارند. به‌طورمثال کشور فنلاند، زبان بسیار خاصی دارد که از جمله مهم‌ترین مولفه‌های شکل‌گیری هویت فنلاندی برای مردم این کشور است. و یا اینکه تیم فوتبال کشور بلژیک یکی از داشته‌های مشترک مردم این کشور است که علیرغم تفاوت‌های زبانی، قومیتی و... توانسته برای مردمش یک دست آورد و مولفه‌ی هویت جمعی مشترک ایجاد کند.

واضح است که هویت دینی بر اشتراکات دینی و به عبارتی جهان‌بینی انسان‌ها اشاره دارد. در نگاه اول شما می‌توانید جزو یکی از تشکلهای دانشگاهتان باشید، هویت آن تشکل را داشته‌باشید و در عین حال عضوی از خانواده خود هم باشید، اسم و فامیلی خاص خود را داشته و هویت فردی و خانوادگی خاص خودتان را هم حفظ کنید. یعنی عضویت در گروه‌های متفاوت انسانی و یا کسب هویت‌های گروهی لزوما تزامی با هویت خانوادگی، دینی شما ندارد، این در حالی است که شما همواره در ذهن خودتان یک لایه‌بندی دارید و می‌دانید اگر بین این هویت‌ها تناقض و



با هم برای ایران



محدثه جان نثاری

کارشناسی مهندسی پزشکی - مسئول واحد فرهنگی



که در بیانات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری بارها اشاره‌های صریحی به این امر شده است.

مشارکت حداکثری مردم در انتخابات بستری برای اعتماد به نفس مسئولان سیاسی و منتخبان مردم فراهم می‌کند که بتوانند در اداره امور کشور، رأی مردم را پشتیبان تصمیم‌های خود بدانند.

به دنبال تاکید بر اهمیت مشارکت حداکثری مردم در انتخابات، مطالعه و بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت رأی‌دهندگان، به یک موضوع حساس و حائز اهمیت در جامعه‌شناسی سیاسی بدل شده که شاخصه‌های آن به طور کلی ثابت است و در گذر زمان مصادیق آن دچار تغییر و گوناگونی می‌شود.

در مطالعه‌هایی که توسط مرکز افکارسنجی دانشجویان (ایسپا) با عنوان «بررسی نگرش و رفتار انتخاباتی مردم تهران» در آستانه انتخابات هفتم مجلس در شهر تهران با اندازه نمونه 1291 نفر صورت گرفت؛ پاسخ‌دهندگان تهرانی علل و انگیزه‌های زیر را برای شرکت خود در انتخابات اعلام داشتند:

تأثیرگذاری بر سیاست‌های نظام و سرنوشت خود، وظیفه شرعی، پایبندی به نظام اسلامی و دفاع از نظام جمهوری اسلامی در مقابل تهدیدهای خارج.

علاوه بر این نظرسنجی که در سال ۱۳۸۲ انجام شد، نظرسنجی‌های متعدد دیگری نیز پس از آن صورت گرفت که به طور کلی نتایج این تحقیقات را می‌توان در عناوین زیر خلاصه کرد که بخش عمده‌ای از

بیست و هشت خرداد ۱۴۰۰، تاریخی سرنوشت‌ساز برای مردم ماست. چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که همزمان با انتخابات ششمین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا برگزار خواهد شد؛ فرصتی برای رقم‌زدن آینده‌ای بهتر و عزتمندتر برای ایران عزیز است.

انتخابات همیشه برای کشور ما و نظام جمهوری اسلامی حائز اهمیت بوده؛ چراکه واقعه‌ای تعیین‌کننده و نشانه‌ی یک حقیقت انکارناپذیر در داخل کشور است؛ که برای دوستان ما در دنیا و نیز برای دشمنان ما پیام‌هایی دارد.

به راحتی و با محاسبات ساده می‌توان دریافت که هرچه صندوق‌های رأی شلوغ‌تر و گسترش شرکت مردم بیشتر باشد، اعتبار کشور بالا خواهد رفت و مصونیت کشور بیشتر خواهد شد.

یکی از برکات حضور مردم همین است که وقتی دشمنان نگاه می‌کنند و "می‌بینند که مردم پشت سر نظام هستند، احساس می‌کنند که نمی‌شود با این نظام معارضه کرد؛ چون با یک ملت نمی‌شود معارضه کرد."

این فرمایشات مقام معظم رهبری، گواهی است که نشان می‌دهد، مشارکت مردم در انتخابات و میزان و ارزش‌های آنان در انتخاب فرد منتخب برای جایگاه ریاست جمهوری، تا چه اندازه در سرنوشت کشور تأثیرگذار خواهد بود.

مشارکت در انتخابات و رأی‌دادن از مولفه‌های اساسی رفتار سیاسی شهروندان محسوب می‌شود.

یکی از الزامات جمهوریت نقش مردم و مشارکت در امر انتخابات است



انگیزه های مردمی برای مشارکت در انتخابات را نشان می‌دهد:

۱. مشارکت در سرنوشت کشور و تأثیر رأی من در تصمیمات کلان کشور
۲. عمل به وظیفه ملی
۳. تبعیت از مقام معظم رهبری
۴. عمل به وظیفه دینی و شرعی

بدیهی ست که در برهه‌های مختلف زمانی، متناسب با شرایط و وقایع، هر یک از عمده انگیزه‌های مذکور می‌تواند تحت تأثیر عوامل گوناگون تقویت و یا تضعیف شده و بر درصد مشارکت مردمی تأثیر بگذارد.

عواملی چون فرهنگ سیاسی، شبکه‌های اجتماعی، فضای گفتمانی و ویژگی شخصیتی کاندیدای ریاست جمهوری بر رأی‌دهی شهروندان مؤثر می‌باشد.

از جمله عوامل مؤثر دیگر بر میزان مشارکت مردم، نقش «شبکه‌های اجتماعی» از جمله روحانیت و نهادهای وابسته به آن، هیئت‌های مذهبی، دانشجویان و تشکل‌های دانشجویی، مشاوران جوان و احزاب و تشکل‌های سیاسی و سلبریتی‌ها را می‌توان نام برد.

در حال حاضر و پس از ۲ دوره ریاست روحانی و کابینه‌اش بر کشور، وضعیت بد اقتصادی و وعده‌های بی‌سرانجام، موجی از ناامیدی و نارضایتی را نسبت به مسئولان دولتی به دنبال داشته‌است.

در عین حال با کاهش کارآمدی دولت منتخب مردم، از یک سو امید به اصلاح و بهتر شدن شرایط با روی کار آمدن رئیس جمهور و کابینه جدید در دل‌ها جوانه زده و از سوی دیگر اضطراب و نگرانی از یکسان بودن عملکرد دولت مردان جدید با همتایان پیشینی‌شان، همچون طوفانی ست که بر این جوانه می‌تازد.

با همه‌ی این اوصاف، توجه و عمل به تاکیدات مقام معظم رهبری و فرمایشات ایشان، که آینده‌ای روشن را به ما نوید می‌دهد، نیروی مضاعفی ست برای تقویت اراده‌ها و افزایش بصیرت‌ها، در جهت تلاش برای انتخاب اصلح‌ترین فرد و حرکت به سمت ایرانی عزتمند است.



ایران من؛ ایران امن

اگر مردم در صحنه حضور داشته باشند، کشور در امنیت باقی خواهد ماند...
مهم‌ترین مظهر این حضور، انتخابات است... هر کس کشور
و نظام را دوست دارد، هر کس امنیت را دوست دارد باید بیاید
وارد میدان انتخابات بشود، بیاید پای صندوق؛ شر دشمن را این کم میکند.

تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸
www.khamehni.ir



جامعه‌پذیری سیاسی



سارا حکیم زاده

کارشناسی ادبیات

ضمن بقای آن گردد. بنابراین سیستم سیاسی حاکم در نظام اجتماعی باید در جهت حفظ و بقای خویش افراد را منطبق بر هنجارهایی که آن سیستم سیاسی تبلیغ می‌کند، جامعه‌پذیر نماید.

با توجه به اینکه هسته اصلی سیاست، قدرت است؛ در سطح فردی شاهد تحمیل اراده افراد بر یکدیگر، علی‌رغم مقاومت آن‌ها هستیم و در سطح، نظام اجتماعی نیز حاکمیت سیاسی سعی دارد بر اساس جریان جامعه‌پذیری سیاسی، مقررات، ارزش‌ها و گرایش‌های سیاسی دلخواه خویش را در افراد و گروه‌های اجتماعی نهادینه کند، تا از تشنج‌ها و بحران‌های سیاسی که به نوعی نظم اجتماعی را دچار تغییر کرده و مانع تحقق اهداف سیستم سیاسی در جامعه می‌شوند، جلوگیری نماید. آنچه در این زمینه حائز اهمیت است، میزان سعی و تلاش حاکمیت‌های سیاسی در هر نظام اجتماعی در رابطه با سازمان بندی و هماهنگی نهادهای اجتماعی براساس قوانین و هنجارهای اجتماعی خویش می‌باشد.

در نهایت جامعه‌پذیری سیاسی بیانگر این مطلب است که چنانچه حاکمیت‌های سیاسی بتوانند در یک فرایند و بر مبنای نهادهای اجتماعی، رفتارهای سیاسی افراد در نظام اجتماعی را در مسیری متناسب با آرمان‌های اجتماعی خویش جهت‌دهند، امکان اجتناب از تشنج‌ها و بحران‌های سیاسی و بالطبع مشروعیت اقتدار برای آنها محفوظ می‌ماند. بر این مبنای جامعه‌پذیری سیاسی را می‌توان به عنوان شاخص مهم و اساسی در سنجش میزان تثبیت اقتدار سیاسی حاکمیت و نهایتاً تحولات سیاسی در نظر گرفت. از سوی دیگر حاکمیت‌های سیاسی باید تلاش کنند، در جهت اعمال تغییرات متفاوتی که برای نظام اجتماعی ضروری می‌دانند، برحسب مقتضیات نظام اجتماعی، زمینه‌ی این تغییرات را در نهادهای اجتماعی فراهم‌کنند تا جامعه‌پذیری سیاسی افراد برحسب این تغییرات تسریع شده و باعث تشنج‌های سیاسی نگردد.

در این یادداشت سعی بر این است که چگونگی جامعه‌پذیری و به خصوص جامعه‌پذیری سیاسی را مورد بررسی قرار دهیم. ضرورت و اهمیت این بحث در این است که اگر جامعه‌پذیری انسان‌ها به نحو مناسب و منطبق با هنجارهای اجتماعی در نظام اجتماعی صورت‌بگیرد، شاهد عدم یگانگی شخصیت در انسان‌ها و نهایتاً بی‌سازمانی اجتماعی خواهیم بود که نتیجه این وضعیت را می‌توان تنش‌های روانی بین انسانها، عدم کنترل مناسب اجتماعی، افزایش بزهکاری‌ها، بحران‌های سیاسی و... مشاهده نمود. از سوی دیگر در صورتیکه نظام اجتماعی در طول حیات خویش شاهد تشنج‌های سیاسی مکرر باشد، تحقق آرمان‌های آن نظام که باید در طول زمان به دست حاکمان عملی گردد دچار اختلال خواهد شد. بنابراین آنچه در این رابطه باید به طور خاص مورد توجه قرارگیرد چگونگی شکل‌گیری شخصیت و یا تربیت سیاسی افراد به عنوان ضمن عدم تشنج‌های سیاسی در نظام اجتماعی می‌باشد.

جامعه‌شناسی به عنوان دانشی که پیرامون جامعه مطالعه و تحقیق می‌کند، سعی دارد رفتار اجتماعی انسان را در ارتباط متقابل با دیگران مورد بررسی قرار دهد. رفتار اجتماعی افراد که در یک فرایند و مبتنی بر روابط اجتماعی و در قالب نهادهای اجتماعی شکل می‌گیرد را جامعه‌پذیری می‌گویند.

در این فرایند چگونگی تکوین شخصیت و ایفای نقش انسان‌ها براساس مقتضیات متفاوت در نظام‌های اجتماعی مختلف تعیین می‌گردد. فرد در جریان جامعه‌پذیری به واسطه تماس متقابل با دیگران، از یک طرف نقش‌هایی را که تعیین‌کننده رفتار اجتماعی اوست و با پایگاه اجتماعی او در گروه‌های اجتماعی مطابقت دارد، به عهده می‌گیرد و از طرف دیگر باعث تکوین شخصیت خویش می‌گردد. بنابراین شخصیت تابعی است از نقش‌های مختلفی که فرد در جهت هم‌سازی خویش با نظام اجتماعی و یا به صورت مشخص با گروه‌هایی که به آنها می‌پیوندد می‌پذیرد و همچنین نحوه ارتباط این نقش‌ها با یکدیگر می‌باشد.

در حقیقت جامعه‌پذیری سیاسی فرایندی است که شخصیت، تربیت و رفتار سیاسی انسان‌ها در طی آن شکل می‌گیرد.

جامعه‌پذیری سیاسی انسان‌ها در واقع شاخه‌ای از جامعه‌پذیری آن‌ها در نظام اجتماعی می‌باشد. در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی، افراد با سیستم سیاسی در نظام اجتماعی آشنا می‌شوند و عکس‌العمل خویش را در مقابل پدیده‌های سیاسی تعیین می‌کنند.

جامعه‌پذیری سیاسی، اتصال سیستم سیاسی و اجتماعی را به عهده‌دار؛ که چگونگی ایفای آن در جوامع مختلف، متفاوت است.

از نظر سیاسی فرایند جامعه‌پذیری سیاسی از این لحاظ اهمیت دارد که افراد در درجاتی متفاوت نسبت به سیستم سیاسی و مشارکت در آن مقید می‌گردند. تقید و مشارکت مردم در سیستم سیاسی حاکم می‌تواند

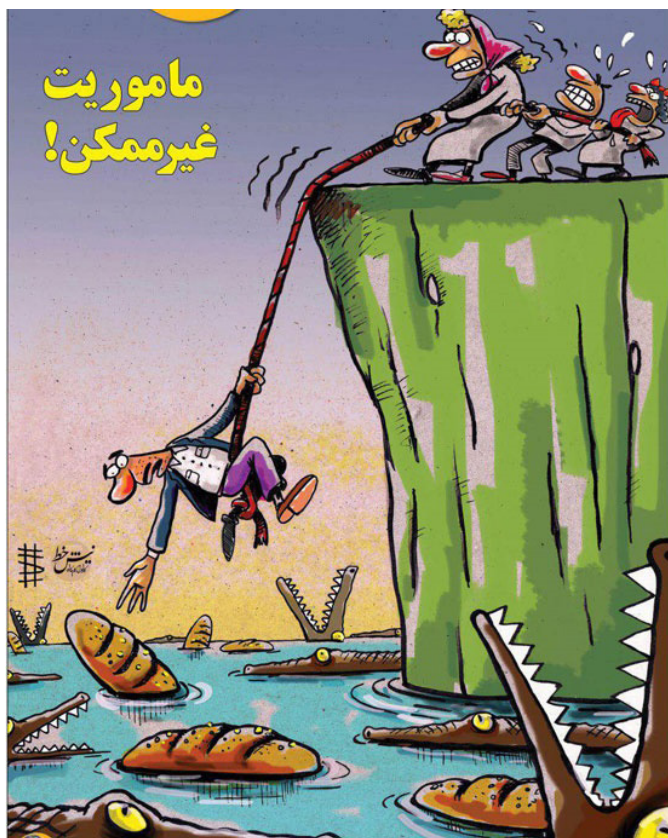


نان و رأی



وجید عبدالله زاده

کارشناسی ریاضیات - ادوار انجمن اسلامی



اصولا در همه ی روش های حکومت داری یکی از شاخصه های مهم مسئله ی اقتصاد و معیشت مردم آن جامعه می باشد؛ زیرا تمام اندیشمندان حوزه ی علوم سیاسی اذعان دارند، همراهی و همزبانی دولت و ملت با شرایط رفاهی آن جامعه ارتباطات تنگاتنگی دارند؛ حال جمهوری اسلامی در ۲ ماه حساس مانده به انتخابات در موقعیت مهمی قرار دارد؛ زیرا یکی از پاشنه آشیل های آن در خطر می باشد، که آن هم مشارکت مردم می باشد، در این یادداشت می کوشیم در ابتدا موارد تئوریک ارتباط اقتصاد و مشارکت را بررسی کنیم و سپس به وضعیت جمهوری اسلامی در مورد این مسئله خواهیم پرداخت؛ امیداست خواننده این متن در کنار مطالعه این یادداشت به منابع بیشتری رجوع کند.

۱) کارآمدی، دغدغه سیاستمداران

اصولا در ساختارهای سیاسی پیشرفته در کشورهای جهان اول رضایت مردم در دولت در درجه ی بالایی از اهمیت قرار دارد که اندیشمندان حوزه علوم سیاسی از آن به عنوان کارآمدی یاد می کنند، کشورهای پیشرفته همواره در کوشش بوده اند که مردم خود را در تصمیم گیری های سیاسی دخیل کنند و این پارامتر را به عنوان یک شاخصه ی قدرت در نظر می گرفتند، اما دخالت و احساس مسئول بودن یک فرد نسبت به کشور خود زمانی به وجود می آید که اولاً فرد به کارآمدی ساختار ایمان داشته باشد و دوما کنش خود را اثرگذار بداند در مورد اول کارآمدی همان نتایج عملکرد سیاستمداران در شاخصه های حکومت داری است که یکی از مهمترین آن ها رفاه و معیشت و به طور کلی اقتصاد می باشد، پس کی از مهمترین عوامل کارآمدی یا به نوع دیگر مشارکت وضعیت اقتصادی می باشد.

باعث این اتفاق می باشد، یکی رشد تحریم های آمریکا و دومی تحرک کامل دولت آقای روحانی به روی برجام و اهمیت ندادن به ظرفیت ها و فرصت های داخلی باشد، در کنار این مسائل با گسترش پاندمی کرونا وضعیت مشاغل مردم نیز تحت تاثیر قرار گرفت و ضربه بزرگی به اقتصاد کشور وارد کرد؛ در حال حاضر وضعیت تورم و قدرت خرید مردم در بدترین وضعیت بعد از انقلاب قرار دارد و عملاً مردم شاخصه ی اقتصادی کارآمدی را برای جمهوری اسلامی به شدت ضعیف می داند که همین شاید اتفاقات تلخی را در آینده رقم بزند.

۲) معیشت مردم در ایران

شاید یکی از اولویت های امام خمینی پس از سرنگونی دولت پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی بهبود شرایط اقتصادی و زندگی راحت تر مردم در ایران بود؛ اما پس از گذشت سال ها از پیروزی انقلاب اسلامی به اذعان اکثر سران نظام یکی از پارامترهای ضعیف جمهوری اسلامی اقتصاد آن می باشد؛ این مسئله یعنی بدتر شدن وضعیت اقتصادی که همان رشد تورم و کاهش قدرت خرید مردم می باشد، از اولین دولت بعد از انقلاب تا به الان رشد داشته، اما در ۸ سال دولت آقای روحانی شیب رشد بدتر شدن وضعیت اقتصادی به شدت تند شد، چندین عامل

۳) رگ حیات جمهوری اسلامی

اگر از آغاز جمهوری اسلامی تاکنون پارامترهای موفقیت این نظام را برشماریم، شاید یکی از مهم ترین آن ها پارامتر مشارکت مردم در وقایع سیاسی می باشد؛ همان طور که امام و رهبری همیشه به این نکته اشاره کرده اند که تصمیم گیرنده های اصلی نظام، این مردم هستند؛ حتی در این اواخر که دعوای و اتمسفر سیاسی نزدیک انتخابات بالا گرفته بود؛ صفحه ی رسمی رهبری در توئیتر قسمتی از

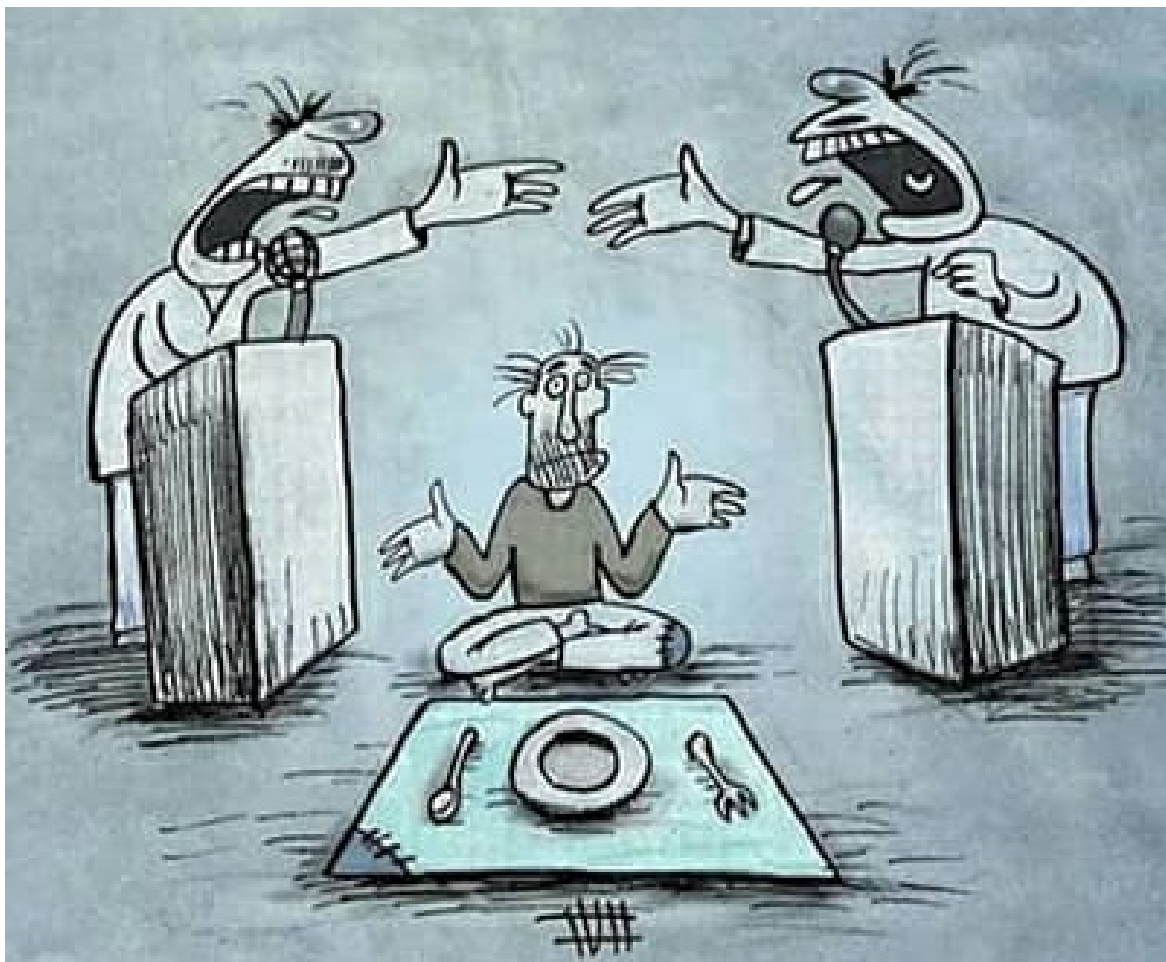
مطلب ایشان را منتشر کردند که نکته ی مهمی قرار داشت؛ آن مطلب این مسئله بود که اولویت گروه‌ها و تشکل‌های فعال باید افزایش مشارکت باشد و انتخاب اصلح اولویت دوم در انتخابات می‌باشد.
 فارغ از این مسائل نیز یکی از بازوهای فشار جمهوری اسلامی در مقابل مستکبران همین مشارکت بالاداشتن در انتخابات است؛ همینطور این مسئله یکی از شاخصه‌های مهم امنیتی نیز می‌باشد.

۴) تجربه‌ی تلخ

اما شاید یک اتفاق مهم در تاریخ انتخابات و مشارکت‌های مردمی جمهوری اسلامی از آغاز تا به الان انتخابات مجلس در سال گذشته می‌باشد؛ زیرا مشارکت در این انتخابات به زیر ۵۰ درصد رسید؛ همین مسئله باید یک زنگ خطر و یک جرقه‌ای بود تا نهادهای جمهوری اسلامی به فکر مشارکت در انتخابات بعدی باشد؛ اما متأسفانه هیچ اتفاق جدید در این زمینه به وقوع نپیوست؛ حتی کار به جایی کشیده‌است که بعضی از گروه‌های صرفاً قدرت طلب که خود را انقلابی و ولایت مدار می‌دانند، ترجیح می‌دهند مشارکت پایین اتفاق بیافتد تا کاندیدای موردنظر آن‌ها به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شود.

۵) وعده‌ها، مشکلی بزرگ

یکی از مهمترین پارامترهای انتخاب یک رئیس‌جمهور برای مردم وعده‌های انتخاباتی او است؛ تحقق این وعده‌هاست که کارآمدی و اعتماد به نظام را در ذهن مردم برجای می‌گذارد، اما تجربه‌ی تلخی که در دولت آقای روحانی اتفاق افتاد، عدم تحقق وعده‌های انتخاباتی او بود و حتی این مسئله عدم ناکارآمدی در ذهن مردم می‌ماند و همین مسئله مشارکت را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ به نظر بنده شورای نگهبان می‌تواند با بررسی و راستی‌آزمایی عملیاتی شدن این وعده‌ها در قبل از انتخابات این مشکل را رفع کند.





تصمیم کبری



فائزه سادات صالحی

کارشناسی روان‌شناسی - مسئول دفترخواهران

ان الذین یشترون بعهد الله و ایمانهم ثمناً قليلاً اولئك لاخلاق لهم في الآخرة ولا یكلمهم الله ولا ینظر الیهم یوم القیمة ولا یرکبهم و لهم عذاب الیم (سوره آل عمران، آیه ۷۶ و ۷۷)

به درستی که کسانی که عهد خدایی و سوگندهای خود را در برابر قیمت ناچیزی از دست می‌دهند کرامتی ندارند و در قیامت نصیب و بهره‌ای برایشان نیست و در آن روز خدا با ایشان سخن نمی‌گوید و نظر رحمت نمی‌افکند و پاکشان نفرموده، بر ایشان عذاب دردناکی است.

ما اجازه نمی‌دهیم تحریم به کشور برگردد./ به مردم قول می‌دهم که فقر مطلق در ایران برای همیشه رخت بریندد./ باید شفاف‌سازی شود، رسانه‌ها باید حرف بزنند و جلوی آن‌ها را نگیریم./ ما باید سن مدیریت را پایین بیاوریم و شرایط را برای حضور جوانان، زنان، اقوام و مذاهب فراهم کنیم. هر انسان معقولی در هر جای دنیا، به محض شنیدن این وعده‌ها از زبان یک سیاست‌مدار که از قضا کاندیدای ریاست‌جمهوری هم باشد موی همی کنده، جامه‌ها بدریده و به سوی نجات‌دهنده خود می‌شتابد.

استثنائات دور از ذهن را کنار بگذاریم، کسی هست که نخواهد این اتفاقات در کشورش بیفتد؟ اما مسئله اینجاست که اگر کودکی هنوز قادر به راه رفتن نیست، او را در مسابقه دو ثبت نام می‌کنیم؟

در نظر گرفتن تناسب توان و اولویت بندی در نیازها نکته‌ی قابل توجهی است که اصولاً از دیده‌ها غایب می‌ماند. ره صدساله‌ی رسیدن به مدینه‌ی فاضله، اگر یک شبه طی شود چه بهتر. منتها با قوانین فیزیک نمی‌خواند! با همین مثال، قول وجودنداشتن هیچ کارتن‌خوابی در صورت پیروزی، طی چهارسال کار بی‌وقفه و تلاش روزافزون غیرعملی است. در جذابیت و شگفت‌آور بودن این وعده‌ها شکی نیست و طبیعی است که شنونده به‌وجودآمده، چشم‌ها را ببندد و نه تنها خود به کاندیدای محترم رای بدهد؛ بلکه دیگران را تشویق کند! چشم‌ها را روی عملکرد ببند و برای بار دوم فقط با شنیدن این دست وعده‌های قطعا خوشبختی‌آور به بیچارگی خود خوشامد بگوید.

حالا لاک‌پشت چقدر شانس برنده‌شدن در مقابل این خرگوش تیزپا دارد؟ چه بسا در داستان مسابقه لاک‌پشت و خرگوش پایان متفاوتی رقم خورد. اما می‌خواهم بگویم کاندیدای مقابل وقتی حرف از مسیر برنامه‌ریزی شده و اصولی می‌زند، نزد مردمی که چشم‌هایشان از آن وعده‌های کمال‌گرایانه برق می‌زند، به نظر می‌رسد؛ انگار بعضی آقایان قضیه‌ی وعده‌های انتخاباتی را با حراج‌های بزرگ دنیا اشتباه می‌گیرند. هرکس قیمت بیشتری پیشنهاد بدهد، صندلی ارزشمند ریاست‌جمهوری به او فروخته می‌شود. هیجان منتج‌شده از بی‌پروایی پیشنهاددهنده‌ی قیمت بیشتر، بعضی‌ها را به سمت انتخاب از روی جو و بدون بررسی سوق می‌دهد. البته تاثیر روانشناسی معکوس را هم در وعده‌های انتخاباتی نباید فراموش کنیم. ترساندن مردم از اتفاقاتی که دیگر نامزدها هیچ برنامه‌ای برای انجام دادنش ندارند، خنده‌دار به نظر می‌رسد؛ اما شدنی ست و دیدیم که حتی نتیجه هم داده‌است!

دیوار کشیدن در پیاده‌روها مگر چیز کمی ست؟!



منتها اگر آقایان جوافردانه بازی نمی‌کنند، چرا ما ناجوافردانه بازیم؟ شرایط کشور بر هیچکس پوشیده نیست. انتخاب عاقلانه، انتخاب کسی ست که از اصلاح قدم‌به‌قدم و منطقی وضع موجود حرف بزند و برنامه داشته‌باشد، تا ایجاد تغییرهای بزرگ و غیرعملی. لقمه را اندازه دهان برمی‌دارند. جهان مطلقاً عاری از شر و بدبختی، منسوب به بعد از حضرت ولی‌عصر (عج) است. از کسی که که مطلق‌گویی می‌کند؛ انتظار نتیجه‌ی قابل‌قبولی نمی‌شود داشت.

يَعْلَمُونَ ظاهراً مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ (سوره روم آیه ۷)

آنها تنها ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند و از آخرت غافلند!



چالش نگهبانان



محمد هوشنگ

کارشناسی شیمی - دبیر انجمن اسلامی



در مقابل هم عده ای که در جریانی مخالف جریان قبل هستند، وجود دارند که گاهی حرفی دیگر می‌زنند و آن حرف این است که کاندیدای مورد نظر ما تأیید شود تا هم برد در انتخابات راحت‌تر شود و هم کشور به دست کسانی بیفتد که به نظر ما کارها رو درست جلو می‌برند؛ حتی مشارکت کاهش پیدا کند.

شدت اظهار و فضا سازی به وسیله این تفکر کمتر از مورد قبل است؛ اما این نیز نباید فضای شورای نگهبان را مسموم کند که خطرناک‌تر از قبلی می‌تواند باشد.

در سال جاری نیز شورای نگهبان با چالش‌هایی مواجه است. یک مسئله که بسیار پررنگ‌تر از قبل از سوی خیلی از افراد در جریان‌های مختلف مطرح است دوگانه مشارکت-گزینه اصلح است. به این معنی که اگر مشارکت بخواهیم گزینه اصلح را فدا کردیم و اگر گزینه اصلح بخواهیم باید مشارکت بالا را فراموش کنیم. دوگانه ای که غلط است و مبنای محاسبات دیگر قرار گرفته است. البته بخش قابل توجهی از چنین تفکری را مدیون افتضاحات به بار آمده از سوی دولت مردان و خصوصا جناب پزیزدنت روحانی هستیم ولا غیر... حال موارد دیگری هم در کنار آن

مسئولیت حفاظت و حراست از جمله سنگین‌ترین وظایف موجود است؛ مخصوصا اگر مسئله حراست از اعتماد، آرای مردم و اصول و ارزش‌ها آن هم از جنس جمهوری اسلامی به میان آید. کسانی که وظیفه حراست را در شئون مختلف دارند، اذعان می‌کنند که در چنین جایگاهی باید با دید متفاوتی از یک شخص عادی نگریست. دیگر نباید مسئله منفعت شخص مطرح باشد؛ بلکه صحبت از منفعت آن چیزی است که برای آن در چنین جایگاهی قرار گرفته‌ای.

شورای نگهبان؛ نهادی که ساخته معمار انقلاب اسلامی، امام خمینی(ره)، هست وظایف متعددی برعهده دارد؛ که یکی از آن‌ها که همیشه سوال برانگیزترین، چالش برانگیزترین و البته وظیفه‌ای کلیدی است؛ در حوزه انتخابات تعریف می‌شود. احراز و تأیید صلاحیت کاندیدیهایی که برای انتخابات وارد صحنه می‌شوند تا نظارت بر حسن اجرای انتخابات و تأیید سلامت آن تا پس از اعلام نتایج نهایی و بررسی شکایات و اعتراضات مربوط به آن. چنین وظیفه‌ای که فکر کردن درباره آن هم می‌تواند سنگینی و بزرگی آن را به ذهن برساند طبیعتا ملزوماتی را با خود خواهد داشت و از طرفی منافع و تعارض منافع برخی گروه‌ها، چالش‌هایی را می‌تواند با خود همراه داشته باشد که در این تاریخ ۴۲ ساله انقلاب اسلامی از زمان تاسیس این شورا تا کنون همیشه با اینگونه چالش‌ها درگیر بوده و دوره به دوره هم اگر شدت نگرفته باشد؛ به قوه خود باقی مانده است.

در بحبوحه انتخابات گروه‌ها و افراد مختلف که فقط به فکر منافع خود هستند؛ همیشه سعی کردند فضا را برای شورای نگهبان به سمتی ببرند که اگر آنچه به نفع آنان است اتفاق نیفتاد هزینه تراشی برای نظام و جمهوری اسلامی ایران را به همراه داشته باشند؛ ولو اگر ایراد از خودشان باشد. گروهی غریب‌گرا که سال‌های مختلف مناصب متفاوت حکومتی از صدر تا ذیل در دستشان بوده و هر اقدامی که خواستند کرده اند، کاندیدیهایی از طیف و کیش خودشان هم تأیید شدند، منتهی هنوز ظاهرا دو قورتونیم شان باقی است و نظارت استصوابی شورای نگهبان را می‌کوبند. در حالیکه اگر خودشان هم بخواهند راه جایگزینی پیشنهاد دهند چیزی بدتر از این مد نظرشان نباشد بهتر نیست. کما اینکه در سال 88 که به طور غیرقانونی موضوع کمیته صیانت از آرا را مطرح کردند، چنین بود.

شورای نگهبان سال‌ها با چنین جریانی روبه‌رو بوده است؛ با وجود اینکه تأیید شده‌های از این شورا در همه طیف بوده و اگر هم موردی صلاحیتش تأیید نشده است؛ شخص آنقدر جرئت نداشته است که دلیل را از شورا پرسیده و به استحضار عموم برساند...



خودنمایی می‌کند.

با چنین دوگانه ای در انتخابات پیش رو که از سوی برخی کسانی هم مطرح می‌شود که هم مشارکت برایشان اهمیت دارد و هم انتخاب اصلح؛ در واقع وظیفه خود در ایجاد شور انتخاباتی و به پای صندوق آوردن آگاهانه مردم را سلب کرده و می‌خواهند جورشان را شورای نگهبان با تأیید افرادی که به معنای واقعی صلاحیت ندارند اما یک چهره مردمی دارند بکشند. یا شاید هم می‌خواهند مشارکت را در نظر نگرفته و هدف روی کار آمدن کسی باشد که اوضاع را بهبود دهد تا در آینده به مسئله مشارکت فکر کنند.

دوستانی که ظاهراً مقداری ترس از رقابت با حریف دارند تکلیف شان را با خودشان مشخص کنند که یعنی حرف و استدلالی در چنته ندارند که حریف شان را مغلوب کنند؛ که اگر چنین است این صحنه را واگذار کنند که ادله فراوان است برای مقابله با جریان غربگرایی و ضد منافع ملی. در ارتباط با عده ای چون آقای احمدی‌نژاد که هنوز در بین عده ای چهره ای مردمی دارند باید گفت که این مورد هم ناشی از نقص عملکرد ماست که هنوز نتوانستیم برای مردم چهره اصلی عده ای چون ایشان را آشکار کنیم که در باطن علیه منافع مردم هستند.

شورای نگهبان نه باید مشارکت را فدای فرد کند و نه فرد را فدای مشارکت؛ باید طبق اصولی مشخص به بررسی گزینه‌ها و سلامت روند انتخابات و نظارت بر آن برسد. مسئله ای که در این خصوص سوال برانگیز است؛ برخی اصول و مواردی هست که در قانون انتخابات و وظایف شورای نگهبان وجود دارد که تفسیر مشخصی از آن وجود ندارد و همین موارد شبهه برانگیز می‌شود. این مسئله قانون انتخابات مدت هاست که گریبان جمهوری اسلامی را گرفته که در حوزه های مختلف قابل بررسی است. جناب کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان، نیز در برنامه بدون توقف اعتراض و انتقاد خود را به نیابت از شورای نگهبان نسبت به بخش هایی از قانون انتخابات که در خصوص شورای نگهبان است بیان کرده بودند. دریغا که هر زمان مجلس نیت اصلاح این قانون را داشت به سمت بهبود که خیر به سمت بدتر شدن پیش‌برد. در نتیجه شورای نگهبان باید مقاوم‌تر از گذشته در مقابل حرف‌ها و جریاناتی که قصدشان از معیار خارج کردن این شورا است بایستد و با معیارهایی مشخص، دقیق و در راستای منافع ملی به احراز صلاحیت نامزدها و بررسی سلامت انتخابات پردازد.



خاورمیانه درگیر انتخاب



فاطمه سادات مرتضوی

کارشناسی آمار

اگر ازمن بپرسید آیا انتخابات مهم است ؟

پاسخ من به این سوال این است که کدام انتخابات؟ انتخابات ایران؟ سوریه یا عراق؟

منطقه ما خاورمیانه، سه انتخابات مهم درپیش خواهدداشت. برخی می‌گویند مهمترین انتخابات منطقه، انتخابات سوریه است؛ برخی می‌گویند: خیر! انتخابات عراق است که سرنوشت منطقه را قطعاً تحت تاثیر قرار خواهدداد؛ برخی دیگر نیز می‌گویند این انتخابات ایران است که در هشت سال آینده هم تحولات منطقه و هم تحولات داخلی این کشور را تحت تاثیر قرار خواهدداد؛ مخصوصاً طبق تجربه‌ی هشت سال اخیر در کشورمان نتیجه‌گیری بدین صورت گاهی قابل توجیه است.

در هر سه انتخابات مهم خاورمیانه، هم "مشارکت حداکثری" برای ما اهمیت دارد و هم "نتیجه انتخابات" بسیار حائز اهمیت می‌باشد. اما ویژگی مشترک این سه انتخابات مهم چیست؟

در گذشته، در منطقه‌ی خاورمیانه، انگلستان، استعمارگر منطقه بود و اهداف خود را متمرکز بر خاورمیانه قرار می‌داد؛ اما اکنون آمریکا جایگزین انگلیس در منطقه شده‌است. در سیاست منطقه خاورمیانه قطعاً ایالات متحده دارای مهره است؛ مانند گذشته که با انتشار اسناد پس از سال‌ها تجسس انگلیس در منطقه برهمه روشن شد، با این تفاوت که اکنون به صورت کاملاً آشکار می‌بینیم که جاسوسان آمریکا با هویت غیرآمریکایی در جزیی‌ترین و حساس‌ترین اتفاقات منطقه نقش دارند. اما فارغ از اولویت‌بندی این سه انتخابات، از نظر اهمیت، سناریوی آمریکا در هر سه انتخابات یکسان است؛ این سناریو از این قرار است؛ شما اگر بخواهید یک کشور، گروه یا فرد را به سمت مذاکره ببرید، سه گام اصلی تعریف می‌کنید:

- مطرح شدن بحث مذاکره

- مشتاق کردن افکارعمومی به مذاکره و

- انتظار مذاکره

ابتدا ذهن شما را درگیر این سوال می‌کنند که مذاکره بکنیم یا نه؟

بعد از طریق رسانه‌های خود شوق مذاکره را در جامعه به وجود می‌آورند، در مرحله سوم مذاکره نمی‌کنند؛ بلکه جامعه را منتظر مذاکره نگه می‌دارند، تا له له بزند؛ ایران، سوریه و عراق در مرحله دوم هستند.

آمریکا و رسانه‌های فارسی و عربی ملت‌های این سه کشور را گام دوم، یعنی اشتیاق به مذاکره نگه‌داشته‌اند. این سه انتخابات از این جهت به شدت سرنوشت‌ساز است که اگر آمریکا بتواند از این مرحله به درستی بهره‌برداری کند، قطعاً می‌تواند بر رای مردم سه کشور اثرگذار باشد؛ اگر بتواند بر رای مردم سه کشور اثر بگذارد، می‌تواند سه کشور

را از گام دوم به گام سوم منتقل کند.. پیچیده شد؟ نه! از چند جهت پیچیده شد؛ اول از این جهت که از گام دوم برای اثرگذاری بر انتخابات و از نتیجه انتخابات برای هدایت کشورها از گام دوم به گام سوم استفاده خواهندکرد، دوم از این جهت که انتخابات آزاد، به بستری برای بهره‌برداری دولت‌های غربی تبدیل شده است؛ غربی‌ها در انتخابات شما کاندید دارند، اگر انتخابات آزاد نبود اگر آن طور که می‌گویند، دیکتاتوری حاکم بود که چنین امیدی نداشتند. از طریق این کاندیداها تلاش می‌کنند اهداف خود را پیش ببرند و اتفاقاً به وقتش به شما این اتهام را وارد می‌کنند که انتخابات شما آزاد نیست؛ درست متوجه شدید، دموکراسی، در حال تبدیل شدن به ابزار آمریکاست.

برای مثال یک جمله را به شکلی وارونه و ناقص از مرحوم مصباح مطرح می‌کند و آن جمله ناقص و وارونه این است که ایشان اعتقادی به دموکراسی نداشتند؛ در صورتی‌که ماجرا از اساس چیز دیگری بود، حرف آیت الله مصباح که هیچ‌وقت شنیده نشد، این بود که گزینه برآمده از انتخابات یک‌بار می‌شود جورج بوش و یک میلیون انسان را در خاورمیانه می‌کشد یک بارهم می‌شود بنی‌صدر، که یک کشور را به مرحله‌ی سقوط می‌برد.

با این تعاریف آیا دموکراسی می‌تواند قابل اعتماد باشد یا نه ؟ تصور مرحوم البته این بوده که بهترین راه فعلاً همین دموکراسی است و خودشان در همین سال‌ها از این جهت که هیچ راه بهتری وجود نداشت؛ از گزینه موجود استفاده کرد.

حالا حرف اصلی چیست؟

حرف اصلی این است که دموکراسی (تنها راه موجود) به ابزار طرف مقابل برای سه کشور تبدیل شده‌است؛ راهکار، حذف صندوق رای نیست؛ راهکار این است که بتوانید به جامعه اهمیت بدهید و موضوع را بفهمانید.





https://t.me/DideNo_SBU

https://t.me/AnjomanEslami_SBU

پیشنهادات و انتقاداتتان را با ما در میان بگذارید.



میزان رأی
ملت است

انتخابات، هم
حق ملت است،
هم یک وظیفه‌ی
ملی است.



۱۳۸۴/۰۷/۰۱